

راهنمای مشاوران مسیحی
فصل بیست و سوم

**Christian Counselors
Manual**

نویسنده: جی آدامز
مترجم: شاهرخ صفوی

پیشگفتار مترجم

جزوه ای که در دست دارید، ترجمه فصل بیست و سوم کتاب "راهنمای مشاوران مسیحی" است. این کتاب کلاً شامل هفده فصل می باشد و انتشار تمام کتاب در این مکان امکان پذیر نیست. به ناچار فصل های این کتاب بصورت جداگانه انتشار یافته اند. دعای من این است که ایمانداران فارسی زبان از طریق این کتاب از جنبه عملی کتاب مقدس بهرمنند شوند تا کلیسای فارسی زبان عیسی مسیح نهایت فیض و رحمت خدا را به دست آورد.

شخصی که به مشاور مسیحی رجوع می کند در این کتاب "مناقضی" نامیده شده، و شخص مشاور نیز "مشاور" نامیده شده است.

شاهرخ صفوی

فصل بیست و سوم آیا مسئله ای هست؟

قبل از بررسی موضوع جمع آوری اطلاعات (فصل ۲۵)، موردی را در نظر بگیریم که تنها یکی از طرفین معتقد است که مسئله ای در زندگی زناشوییشان وجود دارد. این در واقع اولین اطلاع مهمی است که بدست می آید. یقیناً زمانی خواهد رسید که مشاور با چنین موردی مواجه خواهد شد که یکی از طرفین معتقد است که مسئله وجود دارد و به فرض، فرشته خانم شوهرش یوسف را به زور به جلسه مشاوره آورده. فرشته مسئله ای را تعریف می کند که بنظرش بسیار مهم است (در این مبحث فرقی نمی کند مسئله چیست). سپس مشاور روی به شوهر کرده می گوید، "یوسف خان ممکن است نظرتان را راجع به این موضوع بگویند؟" و در پاسخ یوسف نظری کاملاً عکس آن را می گوید:

"اولاً می خواهم تشکر کنم از محبتی که نسبت به من و همسرم دارید، ولی در مورد این موضوع من فکر نمی کنم مسئله ای وجود داشته باشد".

"متوجه مسئله ای نشدید؟"

"خیر آقای کشیش، و در حقیقت تنها بخاطر رضایت زخم به اینجا آمده ام. احتیاجی به مشاوره نیست. امیدوارم بتوانید کمک کنید این موضوع را درک نماید".

ولی مشاور می گوید، "اما یوسف خان، همسران می گوید شما دیگر او را دوست ندارید؛ فکر نمی کنید این موضوع شایستگی بررسی را دارد؟"

"خیر کشیش، من فکر نمی کنم؛ من فرشته را دوست دارم و او نیز آن را می داند. در واقع مسئله ای وجود ندارد".

"فرشته خانم هنوز شک دارید یوسف شما را دوست دارد؟"

"بله کشیش، هیچ چیزی در زندگی زناشویی ما درست نیست. اگر به مسائل رسیدگی نکنیم، زندگی ما رو به فاجعه خواهد کرد".

در این موقع ممکن است مشاور مبهوت بماند که چکار باید بکند. کشیش ممکن است بگوید:

"واضح است که نظر هر یک از شما راجع به زندگی زناشوییتان کاملاً عکس یکدیگر است. فرشته خانم نظرش این است، و یوسف خان اطمینان دارد مسئله ای نیست که نیاز به مشورت داشته باشد. آیا نظر مرا می خواهید بشنوید؟"

فرشته: "بله، نظر شما چیست؟"

یوسف: "البته، ادامه دهید، ولی فکر نمی کنم حرف دیگری مانده باشد".

مشاور: "من نمی دانم مسائل دیگر شما چیست، و همچنین نمی دانم شما یوسف خان فرشته را دوست دارید یا ندارید (صحبت بیشتری راجع به این موضوع باید صورت بگیرد)، ولی یک چیز برای من مثل روز روشن است؛ شما مسئله دارید، و مسئله شما بسیار خطرناک است، ولی هیچ یک از شما آن را بیان نکرده اید".

فرشته: "مسئله چیست؟"

مشاور: "مسئله ارتباط با یکدیگر است که بسیار جدی است. اگر شما نمی توانید توافق کنید که مسئله دارید و نمی توانید با همدیگر آن را حل کنید، زندگی زناشویی شما مسئله جدی شکست ارتباط را دارد. من نمی دانم این تنها مسئله شما است یا نه^(۱)، اما می دانم که مسئله موجود بقدری وسیع است که نیاز به مشاوره مسیحی دارد. من پیشنهاد می کنم از همین جلسه شروع کنیم و ببینیم به کجا خواهیم رسید"^(۲).

چيست که باعث اين اختلاف نظر ها می شود؟ بعضی مواقع (معمولاً شوهر، اين مورد)، به دليل غرور، ترس، خجالت، سعی می کند از جلسات مشاوره دوری کند، با وجود آن که می داند مسائل مهمی وجود دارند که حل نشده می باشند. معمولاً او را به گونه ای که تعريف شد می توانید بدام بی اندازيد. اما حقيقتی نیز در چنين اختلاف نظری می تواند وجود داشته باشد. اگر شوهر (يا زن) احساس نیاز بخصوصی را دیگری نمی کند، او (زن يا شوهر) حقيقتاً می تواند فکر کند مسئله ای نيست. چنين وضعی خصوصاً در مورد يوسف، که در خانواده ای بزرگ شده که در آن پدر و مادر دائماً در حال ستيز بوده اند، معمول می باشد. در نظر او چنين وضعیتی کاملاً عادی است. پدر و مادرش همیشه با همدیگر دعوا می کردند، ولی با اين وجود از همدیگر جدا نمی شدند. اما اگر فرشته در خانواده ای بزرگ شده که در آن کشمکش میان پدر و مادر نشانه مصيبت بوده، او و يوسف وضعيت را عکس همدیگر برداشت خواهند کرد. مسئله واقعی که در چنين صورتی وجود دارد اين است که هر دو متوجه آن نبوده و آن را حل نکرده اند. آن زوج طريق دیگر و بهتری از زندگی را نشناخته اند. ممکن است هر دو سعی می کنند طبق روال قدیمی که شناخت آن را دارند، ولی دیگر امکان پذير نيست، زندگی کنند (و معمولاً اين وضع قلمرو بیشتری را نیز دارد؛ در نتیجه، بررسی تمام جوانب زندگی را لازم می کند). هر یک از اين موارد احتياج به مشاوره مسيحي دارد. تشخيص موقعيت مواردی که شرح داده شد، با موارد دیگری که در حقيقت مسئله بزرگی نيستند، حیاتی است. کسانی که مسائل کم يا کوچکی را دارند بندرت خواهان مشاوره می شوند؛ در بیشتر اوقات اين افراد زندگی خوش و سالمی دارند، و در راه زندگی مسيحي میوه نیز می آورند. اين چنين افراد می توانند به شادی خود ادامه دهند، تا زمانی که فراموش نکنند کلام خدا می گوید:

اول قرن تیان ۱۰

۱۲: پس اگر گمان می کنید استوارید، بهوش باشید که نیفتید!

مشورت يا مشاوره

با اين وجود، کسانی که زندگی خوش و آرامی را دارند (شاید بی دليل) نگران مواردی می شوند. ممکن است مشکل مالی و يا تربيت روحانی فرزندان شان باشد. يا ممکن است وارد گناهی شده باشند که راه نجات از آن را خود نیافته اند. در چنين موارد، مشورت لازم است، و معمولاً نیازی به مشاوره طولانی ندارد. شاید یک يا دو جلسه، يا حتی مشورت مختصر کفاف حل مشکل را بدهد. جمله تشويق کننده، تذکر آنچه خدا طالب آن است، و يا تأديب محبت آمیز لازم است. اساساً، بخاطر زندگی آرام و سر سپردگی کامل به کلام خدا، اين گونه متقاضيان فوراً به مشورت واکنش مثبت نشان می دهند. احتیاجی به توسعه مشورت به مشاوره نيست. در واقع چنين کاری جلودار توبه حقیقی و رشد روحانی آن ها می گردد. دعا، همراه یکی دو جلسه، و ادامه تماس ("برادر فرهاد همه چیز خوب هست؟") لازم است. مشاوران باید توجه کنند مسائل را بزرگتر از آنچه می باشند نکنند.

فهرست زیر نویس های فصل بیست و سوم

- (۱) معمولاً تنها مسئله نیست. ارتباط ناقص تبدیل به مسائل دیگری (که از سؤ تفاهم سرچشمه می گیرد) می شود. از طرف دیگر، وقتی دیگر مسائل حل نشده باشند، تقریباً همیشه (اضافه بر آن ها) تبدیل به شکست ارتباط می گردند. ممکن است در این مورد هر دو مسئله وجود داشته باشند، و یکی خوراک دیگری بوده و تبدیل به گرداب خطرناک شده باشد. در این مورد به کتاب "سلاحیت مشاور مسیحی Competent to Counsel" صفحات ۱۴۴ تا ۱۴۸ مراجعه نمایید)
- (این کتاب تا بحال به فارسی ترجمه نشده است)
- (۲) در این مورد، کشیش تکلیف خانگی ایجاد فهرستی از مشکلاتی که با هم دارند را خواهد داد.